ادامه از صفحه اول

مسئله بغرنج آب

۱۳- تبخیر را ۶۰ درصد (به دلیل بخش عمده کوهستانی و سردسیربودن)، آب قابل دسترس ۳.۶ میلیارد. مجموع مصارف. ۱.۲ میلیارد! مازاد تراز ۲.۴ میلیارد وارد استان خوزستان می‌شود.

۱۴- استان خوزستان مساحت ۶۴۰۵۵ کیلومترمربعی با متوسط بارش ۲۸۴.۵ میلی‌متر در سال؛ یعنی ۱۸ میلیارد مترمکعب.

۱۵- تبخیر به دلیل گرما بالاست. اگر ۷۵ درصد بگیریم آب در دسترس از نزولات ۴.۵ میلیارد مترمکعب.

۱۶- البته ۲.۵ میلیارد از چهارمحال‌وبختیاری وارد می‌شود. از کردستان و ایلام و کرمانشاه و لرستان هم ورود آب بالایی دارد.

۱۷- در گزارش سازمان هواشناسی تحت عنوان ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی استان خوزستان منابع آبی استان ۳۳ میلیارد مترمکعب و سه میلیارد ذخیره سفره‌های زیرزمینی قید شده است و بیان شده خوزستان با چهار درصد مساحت کشور بیش از ۳۰ درصد آب‌های سطحی کشور را دارد.

۱۸- مساحت اراضی کشاورزی استان ۱.۳ میلیون هکتار که نزدیک هفت میلیارد مترمکعب مصرف آب می‌شود.

۱۹- جمعیت استان ۴.۷ میلیون نفر که ۵۲۰ میلیون مترمکعب مصرف خانگی می‌شود.

۲۰- صنعت هم حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب (بخشی از صنعت از دریا استفاده می‌کند).

نتایج

۱- مسئله تحلیل و مدیریت آب در مقیاس استانی محل اشکال اساسی است. ما در این تحلیل، سه استان را وارد کردیم ولی ملاحظه می‌شود بدون پرداختن به استان‌هایی مثل ایلام، کردستان، کرمانشاه و لرستان که بخشی از آب استان خوزستان را تأمین می‌کنند، خطای قابل‌ملاحظه‌ای وجود خواهد داشت. بنابراین، ضرورت دارد به مقوله آب در حوزه‌های آبریز توجه شود نه در تقسیمات سیاسی.

۲- همان‌طورکه آمار و ارقام نشان می‌دهد، در حالی استان خوزستان پرآب‌ترین استان کشور با برخورداری از بیش از یک‌سوم آب کشور است که عملا بخش قابل‌توجه آن، آب ورودی از استان‌های دیگر است. در نبود آب ورودی از استان‌های دیگر، تراز آبی استان خوزستان با مقدار آب قابل‌برنامه‌ریزی ۴.۵ میلیارد مترمکعب و مجموع مصارف بیش از هشت میلیارد مترمکعب، به‌شدت منفی خواهد شد. این بدین معنی است که در نگاه تقسیمات استانی، اگر استان‌های دیگر بخواهند کل آب خروجی از استان خود را مدیریت کرده و برگردانند، چه سرنوشت تلخی در انتظار استان خوزستان خواهد بود.

۳- آمار و ارقام به‌خوبی نشان می‌دهد که توزیع منابع آبی با توزیع منابع زمینی یکسان نیست. اگر عوامل تولید را شامل نیروی انسانی، سرمایه، آب، زمین، انرژی و تکنولوژی بدانیم که در اقتصاد فقط به دو عامل کار و سرمایه فروکاسته می‌شود و فرض ضمنی تحرک کامل دو عامل در نظر گرفته می‌شود، این عوامل تولید یا باید تحرک کافی داشته باشند یا توزیع یکنواخت در طبیعت وجود داشته باشد. خب توزیع که یکنواخت نیست به‌ویژه در مورد آب و زمین! بارش در ارتفاعات چهارمحال‌وبختیاری بالای هزار میلی‌متر در سال است و در خور و بیابانک اصفهان زیر صد میلی‌متر! در مقابل، توپوگرافی سخت و شیب بالا و ... باعث شده در چهارمحال‌وبختیاری زمین محدود است و خب اصفهان زمین فراوان! زمین را که نمی‌توان انتقال داد، پس باید آب را منتقل کرد که بتوان تولیدی داشت. بنابراین اینکه گفته می‌شود هر انتقال آبی غلط است، حرف نادرستی است. جالب این است که کسانی که از غلط‌بودن دستکاری در طبیعت و انتقال آب می‌نالند، وقتی صحبت از قنات می‌شود، با حسرت از مدیریت بسیار خوب گذشتگان تعریف و تمجید می‌کنند! سؤال این است آیا قنات کاری جز انتقال منابع آبی را انجام می‌داد؟ آیا با تکنولوژی آن زمان، انتقال بیش از صد کیلومتر خوب است ولی با تکنولوژی‌های مدرن اگر مسافت بیشتر یا کمتری انتقال داده شود، غلط است؟

۴- آنچه در بحث مدیریت آب و انتقال آب مهم به نظر می‌رسد، مسئله افراط و تفریط و نگاه‌های استانی و رقابت‌های منطقه‌ای است. انتقال آب از محلی که مازاد تراز دارد به جایی که کسری تراز دارد یا مازاد زمین برای استقرار فعالیت دارد، باید در حدی صورت گیرد که اولا خود مبدأ را با کسری تراز مواجه نکند. دوم اینکه در مبدأ، امکان بارگذاری فعالیت به دلیل کمبود زمین مناسب وجود داشته باشد.

۵- اینجا نکته دیگری نیز مهم است. با توجه به آمار، یک‌سوم آب قابل برنامه‌ریزی کشور در خوزستان است. با شناخت از کشور، می‌توان گفت به همین میزان نیز در نوار شمالی کشور است. اگر آب انتقال پیدا نکند، ظرفیت پذیرش فعالیت و سکونت این دو پهنه آیا به اندازه ۶۰ درصد جمعیت و فعالیت‌های کشور است؟ در صورت عدم انتقال آب، فعالیت‌ها و سکونتگاه‌ها، برای دسترسی به این عامل مهم تولید، مجبور به تحرک به سمت آن خواهند بود. آیا این موضوع، فشار مضاعفی بر فضای زیستی آن منطقه فراهم نمی‌کند؟

۶- تبخیر به قدری بالاست که ۶۰ میلیون مترمکعب آبی که به یزد با خط لوله و حذف تبخیر و کاهش اتلاف، صورت می‌گیرد، به اندازه تبخیر ۸۰۰ میلیون مترمکعب آورد رودخانه در طول مسیر هم شاید نشود!

۷- پرت شبکه گفته می‌شود ۲۰ درصد هست! اگر اینجا هم با متوسط کشوری یکی باشد، فقط پرت شبکه خانگی دو برابر خط لوله یزد می‌شود!

ادامه در صفحه ۴

نگاهی به رویکردهای دولت‌ها درباره انتقال آب اصفهان

خاتمی مقصر نبود

عکس: سهند تاکی، شرق

مهرشاد ایمانی: بحران آب در اصفهان دست‌مایه سیاست‌کاری‌های طیف‌های سیاسی شده است؛ برخی به‌جای انتقاد به مسئولان برای مدیریت درست آب در کشور، مردم را به دعاکردن توصیه می‌کنند و برخی دیگر شروع به طرح این مسئله کرده‌اند که تصمیم انتقال آب اصفهان به شهرهای دیگر در دولت پیشین اصلاح‌طلب گرفته شده است و با این مقدمه، چنین نتیجه‌ای می‌گیرند که پس خاتمی مقصر است. مثلا به‌تازگی یک فعال سیاسی اصولگرا گفته است: «مشکل کنونی آب در اصفهان گردن دولت آقای خاتمی است که آب زاینده‌رود را به شهرهای دیگر برد که می‌توانست با ایجاد سد یا راه‌های دیگر برای دیگر شهرها آب تأمین کند، اما دیدیم که زاینده‌رود منبع استفاده چند شهر شد که کار درستی نبود». یا ۱۲ سال پیش محمدتقی رهبر، نماینده اسبق اصفهان، درباره تمایل خاتمی به انتقال آب اصفهان به یزد گفته بود: «بحث فروش آب به یزد در زمان ریاست‌جمهوری خاتمی مطرح شد و ایشان درصدد رساندن آب اصفهان به شهر خود و همشهریان خویش بودند و آب اصفهان را با حجم بالایی به استان خود انتقال داده و درحال‌حاضر نیز این اقدام شده است و نمی‌شود در مقابل آن ایستاد. البته درحال‌حاضر مشکل کم‌آبی وجود دارد، اما این صحیح نیست که آب را از هم‌وطنان یزدی خود قطع کنیم. به‌هرحال این کار شده و جلوگیری از رفتن آب به یزد از باب انسانی و اخلاقی صحیح نیست».

این اظهارات در حالی است که مسئله انتقال آب زاینده‌رود به شهرهای دیگر، سابقه‌ای طولانی‌تر از آنچه گفته می‌شود، دارد و نطفه‌اش به اوایل انقلاب برمی‌گردد؛ بعد از انقلاب که مسئولان استان یزد متوجه بحران کم‌آبی در این استان شدند. در آن زمان طرح انتقال آب از مروست به یزد مطرح و بنا شد با احداث سدهایی روی رودخانه‌های بوانات و خوانسار، آب مورد نیاز تأمین شود و مطالعات این پروژه با اعتبار ۹ میلیون تومان ازسوی استانداری انجام شد که این طرح در سال ۱۳۶۰ با سفر وزیر وقت نیرو و کارشناسان وزارت نیرو و با بررسی سنجش آبدهی رودخانه‌های مدنظر مردود اعلام شد. آن زمان وزارت نیرو طرح انتقال آب از سرشاخه‌های کارون را به‌عنوان راهکار بلندمدت برای حل مسئله آب استان یزد مطرح کرد و در این راستا انتقال آب از مناطق دیگر برای تأمین آب یزد مطرح شد. اردکانیان در سال‌های ۶۳ و ۶۴ پیگیری‌های لازم را برای مطالعات طرح انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به یزد انجام داد تا به سال ۶۶ رسیدیم که در جلسه‌ای توافق‌نامه‌ای مبنی‌بر انتقال آب از زاینده‌رود به بالای ورزنه یزد به میزان ثابت سالانه ۱۵۰ میلیون مترمکعب امضا شد. در سال ۶۸ هم جمعی از مسئولان استان نظیر امام‌جمعه، نمایندگان مجلس، استاندار و... با هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، دیدار کردند و خواستار توجه جدی دولت به مسئله حیاتی استان یزد شدند. در همین سال، استاندار اصفهان در نامه‌ای به هاشمی با تأکید بر تشنه‌بودن دشت‌های اصفهان، خواستار انتقال آب از سرشاخه‌های کارون شده بود. در بهمن ۶۸ با حضور وزیر وقت نیرو، مسئولان استان یزد و اصفهان، انتقال ۲.۵ مترمکعب آب در ثانیه (۷۸ میلیون مترمکعب در سال) تا سقف سه مترمکعب در ثانیه مورد توافق قرار گرفت و بر انتقال آب از چشمه لنگان به زاینده‌رود نیز تأکید شد.

پس از انجام مراحل مقدماتی نظیر عملیات نقشه‌برداری، پیاده‌کردن مسیر و برگزاری مناقصه، عملیات عمرانی طرح با حضور دکتر حسن حبیبی، معاون اول رئیس‌جمهور وقت، در شهریور ۱۳۷۳ آغاز شد.

هاشمی‌رفسنجانی نیز در خاطرات روزانه خود به تاریخ ۳۱ مرداد ۷۵ می‌نویسد: «... طرح‌های برداشت آب از سد زاینده‌رود، انتقال به نایین و کاشان و کوهپایه به ورزنه و جرقویه و هیرمند و پشت سد خمیر، برای تیران و ۲۰ روستا و کشاورزی، ساخت نیروگاه کوچک آبی در مسیر و چند خط انتقال برق، با توضیحات آقای زنگنه [وزیر نیرو] و مدیران آب و برق استان و صحبت من، شروع به بهره‌برداری یا اجرا شد. چون طرح آب برای کاشان، گران‌تر از مبلغ پیش‌بینی‌شده بود، گفتم محدودتر و ارزان‌تر اجرا شود. به احساسات روستاییان منطقه پاسخ دادم».

هاشمی در سخنرانی‌ای که در خاطراتش هم به آن اشاره می‌کند، گفته بود: «از زحمات برادرانمان در بخش آب و برق وزارت نیرو قدردانی می‌کنیم؛ چون این کارهای خوب و ماندنی وسیله آسایش و راحتی مردم است و باعث تأمین شغل، تأمین محصولات زراعی، دامی و تأمین بهداشت می‌شود. به خاطر این آب‌هایی که به این روستاها می‌رسد، آقایان ۱۴میلیارد تومان هزینه کرده‌اند که در مقیاس کل کشور بخش‌های بسیار کوچکی هستند. بعضی از اینها واقعا مهم هستند؛ مثل آب‌رسانی به نایین، ورزنه، هرنه و جغوبیه که حقیقتا اگر این آب به آن جاها نمی‌رفت، ما نمی‌توانستیم مردم را در آنجا نگه داریم.

او در ادامه خاطره ۳۱ مرداد ۷۵ می‌نویسد: «به سوی دهکده تفریحی در کنار سد زاینده‌رود، نزدیک چادگان، پرواز کردیم؛ باصفاست. در سالن رستوران، گزارش شهردار چادگان را شنیدیم. با صحبت کوتاهی، تشویق‌شان کردم. به سوی فریدون‌شهر پرواز کردیم. استقبال گرمی داشتند. دختربچه‌ها ازسوی گروه‌های مختلف و ساکنان منطقه به زبان‌های لری، ترکی، قشقایی، گرجی و ارمنی خیرمقدم گفتند. سرودهای گرمی اجرا کردند. فرماندار شهر گزارش داد و خواسته‌ها را مطرح کرد. صحبت دلگرم‌کننده‌ای در استعدادهای منطقه، تحسین از همزیستی مسالمت‌آمیز مذاهب و نژادها و وعده اجرای خواسته‌ها نمودم. هم‌زمان بیمارستان مدرن شهر افتتاح شد. با ماشین به محل شروع اجرای طرح مهم انتقال آب چشم‌لنگان -از سرشاخه‌های دز- به منطقه با ۱۲ میلیارد تومان هزینه رفتیم. ماشین‌ها شروع به کار کردند. آقایان زنگنه [وزیر نیرو] و اسلامیان [مدیرکل آب منطقه‌ای اصفهان] گزارش دادند. با یک تونل ۱۰کیلومتری و یک سد انحرافی، حدود ۱۲۰ میلیون مترمکعب آب منتقل خواهد شد؛ کار مهمی است. من هم صحبت کردم. درباره اهمیت انتقال آب از آن طرف زاگرس به مرکز کشور حرف زدم و به احساسات مردم اطراف که جمع انبوهی بودند، جواب دادم. به سوی گلپایگان پرواز کردیم. با تأخیر رسیدیم. اجتماع مردم گلپایگان، خیلی باشکوه بود. آقایان [غلامحسین] محمدی‌گلپایگانی، رئیس دفتر رهبری و نماینده شهر آقای [سیدمرتضی] صالحی‌خوانساری و امام جمعه شهر، خیرمقدم گرمی گفتند. یک کودک نابینا [به نام هاتف اسلامی]، شعری در تجلیل از من خواند که پدر نابینایش سروده بود؛ از روی خط بریل می‌خواند. گروهی سرود دشتی اجرا کردند. صحبت مفصلی از استعداد و تعهد مردم گلپایگان و علمای محل نمودم. خبر تأسیس کارخانه پتروشیمی در منطقه و انتقال آب دره‌داغی- از سرشاخه‌های دز- به منطقه را دادم؛ باعث خوشحالی شدید مردم شد. سپس رفتیم و مسجد جامع قدیمی شهر را دیدیم و همان‌جا نماز خواندیم. دو نفر از متخصصان خط کوفی و باستان‌شناسی توضیح دادند؛ در زمان ملک‌شاه سلجوقی ساخته و در زمان قاجاریه تعمیر شده است. برای افتتاح کارخانه پیستون‌سازی رفتیم. در شهر و در مسیر، شاهد استقبال گرم مردم بودیم. کارخانه شیرسازی [طرح خشک‌کن آب پنیر] با ظرفیت هشت هزار تُن را افتتاح کردیم. پس از صرف ناهار، کمی استراحت نمودیم و به سوی خوانسار پرواز کردیم. اجتماع مردم خوانسار خیلی گرم بود. ائمه جمعه و عالم شهر و نماینده شهر خیرمقدم گفتند و سرودی شنیدیم. من هم صحبت دلگرم‌کننده‌ای داشتم و خواسته‌ها را پذیرفتم...».

محمود هاشمی‌رفسنجانی هم در سال ۹۶ در گفت‌وگویی با «شرق» درباره نقش هاشمی‌رفسنجانی در انتقال آب زاینده‌رود به یزد گفته بود: «اولین کسی که گفت آب از جای دیگری بیاورند، ایشان [اکبر هاشمی‌رفسنجانی] بود که انتقال آب را برای یزد پیشنهاد داد. وقتی در جمع مردم یزد صحبت می‌کرد و گفت آب سرشاخه‌های اصفهان را برای یزد می‌آورم، در آن زمان مردم گفتند این شیخ رؤیایی فکر می‌کند. خیلی باور نمی‌کردند؛ اما این ایده عملی شد. تا زمان رفتن اخوی چیزی از پروژه انتقال آب اصفهان به یزد نمانده بود. چند کیلومتر مانده بود که مسیر کامل شود. بعد دولت اصلاحات روی کار آمد و رئیس این دولت، برای افتتاح به یزد رفت. محمد ما (برادر کوچکم) معاون اجرائی رئیس دولت اصلاحات بود. در این پروژه در کنار رئیس‌جمهور وقت حضور داشت. نقل می‌کرد که وقتی در محل افتتاح پروژه حضور یافتم و قصد داشتیم مراسم افتتاح را برگزار کنیم، عده معدودی هم دست می‌زدند و می‌گفتند مخرب سازندگی اعدام باید شود. علیه آقای هاشمی شعار می‌دادند و معلوم نبود اینها چه کسانی بودند». به‌هرروی این پیگیری‌ها ادامه داشت تا آنکه در اسفند ۷۸ و البته در دوره خاتمی فاز نخست انتقال آب از زاینده‌رود به شهر یزد به بهره‌برداری رسید.

انتقال آب اصفهان به یزد انجام شد تا آنکه با روی‌کارآمدن محمود احمدی‌نژاد موضوع انتقال آب اصفهان به چهارمحال‌وبختیاری پیش آمد. او در سفر به شهرکرد در سال ۹۰ آب زاینده‌رود را به چهارمحال‌وبختیاری وعده داد و گفت که «هرقدر و هر جور که نیاز هست برای صنعت و کشاورزی از آب زاینده‌رود برداشت کنید. اولویت با شما و بعد استان‌های دیگر».

این سخن احمدی‌نژاد با واکنش‌های زیادی همراه شد؛ چنانکه یکی از نمایندگان اصفهان در آن زمان گفته بود: «سابقه برداشت آب از این رود برای چهارمحال‌وبختیاری به سفر اول رئیس‌جمهور برمی‌گردد که در جلسه‌ای به استاندار اجازه دادند هرگونه که می‌خواهند، از آب رود استفاده کنند. ما نمایندگان اصفهان در مجلس هفتم برای مقابله با این تصمیم تلاش کردیم و به مسئولان نامه نوشتیم که گفتند موضوع کان‌لم‌یکن تلقی شود. ولی چهارمحالی‌ها از آن مصوبه ملغی‌شده استفاده کردند. اگرچه درختان گردوی چهارمحال‌وبختیاری آبیاری می‌شد، هم‌زمان حقابه کشاورزان اصفهانی هم ضایع می‌شد، مردم دچار خشک‌سالی شدند و داستان زاینده‌رود که همه‌گیر شد». ماجرا در اصفهان آن‌قدر گسترده شد که گفته می‌شد مدیران شهری می‌خواهند از دولت به قوه قضائیه شکایت کنند. در آن زمان عباس حاج‌رسولی، رئیس شورای اسلامی اصفهان با بیان اینکه «نباید تحت تأثیر جو عمومی از آب زاینده‌رود سهیمه بدهند»، گفته بود: «از قوه قضائیه و دادستان کل کشور درخواست کردیم تا به مسئله حقابه مردم و سهمیه مردم اصفهان از آب زاینده‌رود رسیدگی کنند تا برداشت غیرقانونی از آن صورت نگیرد».

محمد عطریانفر، فعال سیاسی اهل اصفهان، هم درباره تصمیم انتقال آب زاینده‌رود به چهارمحال‌وبختیاری به‌تازگی گفته است: «موضوع بی‌آبی در اصفهان یک موضوع اقتصادی- معیشتی است؛ آغاز این اتفاق در اصفهان به دهه ۸۰ و زمان دولت احمدی‌نژاد برمی‌گرد؛ زمانی که وی تحت تأثیر اطرافیان خود آب اصفهان را به چهارمحال‌وبختیاری منتقل کردند... . سیاست اشتباه دولت احمدی‌نژاد انتقال این آب بود و چند باری تذکر داده شده اما توجهی نمی‌شد؛ ضمن آنکه وقتی موضوع از سطح تصمیم دولت خارج می‌شود و به مردم محول شود، به‌سادگی قابل بازگشت و اصلاح نیست. موضوع آب، یک موضوعی حیاتی و معیشتی است که زندگی و کشاورزی مردم محروم شرق اصفهان را دربرمی‌گیرد و کسی تاکنون به مطالبات این گروه از مردم اصفهان پاسخ نداده، البته کم‌آبی کشور نیز به این مسئله دامن زده؛ نمی‌توانیم بگوییم وقتی دولتی شخصی را مسئول رسیدگی به این کار قرار می‌دهد، اشتباه کرده است؛ اگرچه با حل مشکلات به این شکل موافق نیستم ولی وقتی موضوعات به دقیقه ۹۰ می‌رسد و پاسخ مناسب به آن داده نمی‌شود، موضوع بازتاب اجتماعی پیدا می‌کند و دولت‌ها به آن واکنش نشان می‌دهند».

البته حسن روحانی هم از انتقادها درباره موضوع آب اصفهان بی‌بهره نماند و پای او هم به میان کشیده شد؛ چنانکه همین چندروز پیش محمدعلی احمدی، فرماندار اصفهان گفت: «ریشه اصلی اتفاقات اخیر بحث کمبود شدید آب و خشک‌شدن زاینده‌رود است که متأسفانه رفتارهایی، علی‌رغم تذکر مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ به مسئولان استان‌های مختلف و نمایندگان مجلس اتفاق افتاد... کشاورزان در شرق و غرب اصفهان به‌شدت مشکل معیشتی دارند و بسیاری از درختان و باغ‌های آنها براثر بی‌آبی خشک شده و درحال ازبین‌رفتن است. سیاست‌ها و بدرفتاری‌های برخی مسئولان منجر به بی‌توجهی به حق این کشاورزان شده است و تشدید اعتراضات مردم را دنبال داشته است. از طرف دیگر درخواست کشاورزان این است که اگر آب نیست و به ما قرار است خسارت بدهید، باید خسارت عدم کشت و کشاورزی را پرداخت شود، نه خسارت حقابه و پول آب فقط داده شود. از جمله حرف‌های کشاورزان اصفهانی این است که اگر آب نیست، برای همه نباشد و اگر هم آب کم است، برای همه کم باشد، نه آنکه برداشت‌های بالادست رودخانه زیاد و انتقال آب به دیگر استان‌ها انجام شود ولی حقابه به کشاورزان اصفهانی داده نشود. دراین‌باره جهاد کشاورزی هم هیچ کار مؤثری را در جهت اصلاح الگوی کشت انجام نداده و در سال‌های گذشته این روند الگوی کشت تغییری نکرده است. بی‌توجهی دولت گذشته نسبت به مطالبات مردم باعث نارضایتی‌ها در شهرها و روستاها شده است و امروز مواجه هستیم با صندوق‌های خالی و سدهای خالی، همچنین با توجه به اعتراضات انباشته‌شده کشاورزان و خلف وعده مسئولین، دیگر اعتماد آنها از بین رفته است».

به نظر می‌رسد که مسئله انتقال آب اصفهان به نقاط دیگر ایران موضوع امروز و دیروز یا محدود به یک دولت خاص نیست و حتما در بررسی ایرادات تصمیم‌گیری‌ها باید به مواضع همه مسئولان ذی‌ربط در چهار دهه بعد از انقلاب و نه صرفا به دولت خاتمی رجوع کرد و حتما مقصر جلوه‌دادن خاتمی از سوی برخی گروه‌ها و افراد، سیاست‌کاری آشکار است.

در حاشیه نشست مشترک دولت و مجلس اتفاق افتاد

رئیس‌جمهور در تجمع بهارستان

شرق: نشست مشترک دولت و مجلس به‌مناسبت روز مجلس در بهارستان برگزار شد، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین اتفاق در حاشیه آن اتفاق افتاد؛ از روز یکشنبه، تجمع خانواده بیماران SMA در مقابل مجلس درحال برگزاری است که از خوش‌اقبالی آنان چهارمین روز آن مصادف شد با آمدن رئیس‌جمهور به بهارستان. ابراهیم رئیسی پس از نشست پایان نشست دولت و مجلس و هنگام خروج از پارلمان از ماشین خود پیاده شد و در جمع تحصن‌کنندگان حضور یافت و آنان نیز درخواست‌ها و مطالبات‌شان در زمینه تأمین دارو و مشکلات درمانی فرزندانشان را مطرح کردند. رئیس‌جمهور نیز اطمینان داد که دولت برای برطرف‌کردن مشکلات دارو و درمان کشور به‌ویژه بیماران خاص مانند بیماران SMA تمام توان خود را به کار خواهد گرفت. پیش‌تر نیز نایب‌رئیس مجلس به کمیسیون بهداشت مجلس مأموریت داده بود تا کارگروهی ویژه برای رسیدگی به مشکلات این بیماران تشکیل شود. هرچند تجمع روز گذشته این خانواده‌ها و حضور رئیسی در بهارستان اتفاقی بود، اما رفتن او در جمع آنان از نکات مثبتی است که نمی‌توان نادیده گرفت. درهرحال حضور رؤسای دولتی در چنین تجمعاتی اتفاق نادری است؛ یک‌بار حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین در اردیبهشت۹۶، بعد از حادثه معدن زغال‌سنگ آزادشهر که منجر به کشته‌شدن ۲۲ کارگر شده بود، به استان گلستان رفته و با خودرو در جمع معترضان حضور یافته بود. او همچنین در دیدار با خانواده کشته‌شدگان اعلام کرده بود: «در این حادثه همه مسئول هستیم و باید مشکلات موجود را پیگیری و کاستی‌ها را جبران کنیم».

محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت اسبق نیز معمولا در تجمعاتی که طرفداران او در میدان نزدیک خانه‌اش برگزار می‌شوند، شرکت می‌کند. او اما در آبان سال ۹۶ در اعتراض به اجرای حکم ۱۵ سال زندان حمید بقایی و بازداشت اسفندیار رحیم‌مشایی، چند شب به مدت دو تا سه ساعت در بست‌نشینی آنها در حرم حضرت عبدالعظیم شرکت کرد و سخنان تندی علیه برخی مقامات نیز گفت.

بااین‌حال شاید این توقع و انتظار از ابراهیم رئیسی بود که در اعتراضات کشاورزان اصفهانی در زاینده‌رود نیز شرکت می‌کرد. این درحالی است که اتفاقا رئیس‌جمهور در رفتن به سفرهای استانی پیش‌قدم است و به‌گفته سخنگوی دولت ابراهیم رئیسی به ۱۰ سفر استانی و مقامات دیگر بیش از صد سفر داشته‌اند. جالب آنکه حتی نماینده شهر اصفهان نیز به جمع کشاورزان نرفته و در گفت‌وگویی اعلام کرده که فرصت آن را نداشته است. مهدی طغیانی گفته بود: در حد یک روز و برای پیگیری حضور وزیر نیرو به اصفهان آمدم و برگشتم و فرصت نکردم در جمع کشاورزان معترض در بستر زاینده‌رود حاضر شوم». او حتی اعلام کرده بود که کار کشاورزان در زاینده‌رود را تأیید نمی‌کند.

اعتراض نادران به دولت

همچنین از نکات جذاب نشست مشترک دولت و مجلس می‌توان به خبر ایلنا اشاره کرد که در این جلسه و در بخش غیرعلنی آن الیاس نادران انتقادات جدی و شدیداللحنی را خطاب به دولت داشته است. نادران البته بعد از ورود به مجلس از منتقدان دولت روحانی بود و با همین فرمان به دولت رئیسی هم انتقادات وارد می‌کند. او چندی پیش نیز در نطق میان دستور خود گفته بود: «بارها گفته‌ایم پاشنه آشیل دولت جناب آقای رئیسی اقتصاد است. اینکه بزرگان اقتصاد را در دولت جمع کنیم خوب است اما مهم‌تر از آن هماهنگی این تیم و داشتن یک سر است». نادران که عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه است، گفته بود: «رئیس‌جمهور محترم به‌صراحت اعلام کند که مسئولیت اقتصاد کشور در دولت با کیست؟ راهبردها و نقاط کلیدی خط‌مشی اقتصادی کشور را چه کسی تعیین می‌کند؟

ادامه در صفحه ۸

خبر

بیانیه جبهه اصلاحات درباره بحران آب در اصفهان

• جبهه اصلاحات ایران بیانیه‌ای درباره بحران آبی ایران و رخدادهای اخیر اصفهان نوشته است. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: «اعتراضات اخیر کشاورزان اصفهان و تجمع اهالی اصفهان برای مطالبه احیای دائمی زاینده‌رود آخرین نشانی وخامت حکمرانی آب و ضرورت توجه مؤثر به ابرچالش ملی آب است. اعتراضات هم‌وطنانمان در خوزستان و چهارمحال‌وبختیاری و بحران‌ها و مسائل روزافزون مرتبط با آب در ۲۸ استان کشور هم حاکی از ملی و خطیربودن این ابرچالش است. در گام اول نیازمند اجماع ملی بر سر به‌رسمیت‌شناختن بحران آب در ایران هستیم: ایران کشوری کم‌آب است که بعد از دهه‌ها کم‌توجهی و سوءحکمرانی آب اکنون به مرحله بحران آبی رسیده است و پیشگیری از تشدید بحران و نتایج سهمگینی که می‌تواند برای ایران و شهروندانش داشته باشد، مستلزم عزمی ملی و فوری و هم‌افزایی حل مسئله‌ای نهادهای حکمرانی، جامعه مدنی و شهروندان است. صنایع آب‌بر و ناپایدار در فلات مرکزی، کشاورزی ناپایدار، برخی سدسازی‌های فراتر از ظرفیت زیست‌بوم طبیعی، اقتصاد کنونی آب که مشوق مصرف بی‌رویه و نابهینه آب می‌شود، طرح‌های انتقال آب برای مصارف غیرشرب، مبنانبودن آمایش سرزمینی کارشناسانه در سیاست‌گذاری اسکان جمعیت و مکان‌یابی طرح‌های توسعه در صنعت و کشاورزی، ظرفیت کم برنامه‌ریزی توسعه‌ای پایدار و متوازن و اجرای برنامه‌ها، سیاست‌های جمعیتی فراتر از ظرفیت زیستی ایران، استفاده بی‌رویه از منابع غیرسطحی آب با چاه‌های عمیق فراتر از حد مجاز و ضعف ظرفیت‌سازی برای اشتغال در حوزه‌های غیرکشاورزی همه از جمله عواملی بوده‌اند که در دولت‌های دهه‌های گذشته به شکل‌گیری وضعیت بحران آبی کمک کرده‌اند. مسئولیت‌پذیری مشترک پیش‌نیاز برنامه اقدام مشترک ملی است».

در ادامه آمده است: «بحران کنونی آبی در ایران مصداق روشنی از مسئله بغرنج و پیچیده در سیاست‌گذاری است. همان‌طورکه ایجاد این بحران محصول دهه‌ها انباشت خطای سیاستی است، حل ریشه‌ای آن و سازگاری موفق با کم‌آبی در ایران راه‌حل ساده و فوری ندارد. از ضرورت‌های شناسایی موفق راه‌حل مؤثر برای این بحران جلب مشارکت نمایندگان همه ذی‌نفعان در گروه‌های اجتماعی و مناطق مختلف ایران، دستگاه‌های مختلف ذی‌ربط و نیز متخصصان طرازاول حوزه‌های متکثر مربوط به حکمرانی و سیاست‌گذاری آبی است. راه‌حل این بحران بدون مذاکره و گفت‌وگو و مشارکت وسیع و عمومی و هم‌افزایی بخش‌های متکثر جامعه و حاکمیت و متخصصان نه کشف و شناسایی می‌شود و نه اجرا و محقق». همچنین در این بیانیه تأکید شده است: «در ایران امروز، توجه بیشتر به صیانت از محیط زیست دیگر صرفا اقتضای عدالت بین‌نسلی و ادای حق آیندگان نیست بلکه لازمه آب کافی و هوای سالم داشتن و زندگی بهتر شهروندان امروز هم هست. متأسفانه ایران در اجلاس جهانی و بااهمیت کاپ۲۶ در گلاسکو درباره تغییرات اقلیمی نقش مؤثری ایفا نکرد و مطالبه‌کردنی است که مجموعه حکمرانان ایران به ضرورت پایداری و توازن فرایندهای توسعه در عمل توجه مؤثر بیشتری نشان دهند و دولت ایران نیز در ساختن تعهدات جهانی برای پیشگیری از تشدید تغییرات اقلیمی نقش فعال‌تری ایفا کند و دیپلماسی محیط زیستی را جدی‌تر بگیرد. بحران آبی در ایران بحرانی ملی است و چاره‌اندیشی برای آن نیازمند رویکرد ملی، کارشناسانه و بلندمدت است. از هر اقدامی که این بحران را نادیده بگیرد یا به رقابت‌های منطقه‌ای فروبکاهد و زمینه‌ساز افزایش تنش میان شهروندان مناطق مختلف ایران شود باید پرهیز کرد».

حزب کارگزاران به دنبال تشکیل «دولت در سایه»

• **ایسنا:** جلسه این هفته شورای مرکزی حزب به ریاست محسن هاشمی برگزار شد. در این نشست، اعضای کمیته پشتیبانی حزب ازسوی امیر اقتناعی، دبیر کمیته، پیشنهاد شد و ازسوی شورای مرکزی رأی اعتماد گرفت. ولی‌الله افخمی، دبیر کمیته اقتصادی حزب، نیز گزارشی از فعالیت‌های این کمیته در دوره پیشین ارائه کرد. تجدید ساختار حزب از دیگر دستورات این جلسه شورای مرکزی بود که پس از بحث و بررسی، کمیته تشکیلات موظف شد تا جلسه آتی، پیشنهاد چارت جدید حزب را مطابق با ملاحظات و سیاست‌های شورای مرکزی جهت تصویب به این شورا ارائه کند.

همچنین درباره سازوکارهای ارتباط ارگان رسانه‌ای کارگزاران سازندگی ایران با بخش‌های مختلف حزب بحث و گفت‌وگو صورت گرفت. در بخش دیگری از این جلسه، شورای مرکزی نسبت‌به اعتراضات در شهر اصفهان و حواشی آن ابراز نگرانی کرده و مسئولان امر را به توجه به مطالبات مردم تا پیش از بدل‌شدن به بحران‌های شدید و پیچیده دعوت کردند. اعضای شورای مرکزی طرح صیانت را نیز بحران‌آفرین و غیرکارشناسانه دانستند که تغییرات جزئی در آن از تبعات عمیق اقتصادی و اجتماعی طرح نخواهد کاست. تشکیل «دولت در سایه» بر اساس مصوبه کمیته سیاسی از جمله پیشنهادات اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران برای نقد عملکرد قوا بود.